

تبیین ماهیت دل‌بستگی به محله ایرانی-اسلامی: مطالعه کیفی محله اختیاریه

سمانه خیبری^۱، محمدرضا پورجعفر^{۲*} (نویسنده مسئول)، محمدسعید ایزدی^۳

^۱ دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

^۲ استاد تمام معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس

^۳ استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۲)

چکیده

محله در شهر ایرانی-اسلامی سازنده بنیان هویتی افراد و احساس دل‌بستگی در ساکنان بر شمرده می‌شود. این درحالی است که با غلبه گفتمان مهندسی در توسعه شهرها، محله دستخوش تغییر ساختار فضایی و سازمان اجتماعی و تضعیف پیوند روانشناختی مردم-محله شده که افول مشارکت اجتماعی، تهدید هویت محله‌ای و تضعیف سرمایه اجتماعی را در پی داشته است. با توجه به خلاءهای نظری در ابعاد ماهوی، فرایندی، رفتاری دل‌بستگی به محله و از آن جا که درک عمیق نسبت به ماهیت این پدیده در بستر شهرهای کشور و عوامل تاثیرگذار بر آن گامی راهبردی در برنامه‌ریزی محله‌محور است، هدف این مقاله مطالعه عمیق تجربه زیسته ساکنان محله اختیاریه به منظور بازشناسی ماهیت روانشناختی این پیوند و مولفه‌های موثر بر آن در محله‌ای است که بر اساس پیمایش شهرداری تهران (۱۳۹۶) سطح بالایی از تعلق ساکنان و پایداری نسبی سکونت را دارد. بنابراین با اتخاذ راهبرد کیفی و روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد و به‌کارگیری تکنیک نمونه‌گیری هدفمند و نظری، ۲۴ نفر از ساکنان اختیاریه به‌عنوان مشارکت‌کنندگان تحقیق در فرایند گردآوری اطلاعات از طریق ترکیبی از ابزارهای مصاحبه عمیق، پرسشنامه، نقشه شناختی و مطالعات اسنادی انتخاب و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان، غیرخطی، تکوینی و با تکنیک کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که دل‌بستگی به محله همچون امتداد حس خانه در مقیاس محله در ابعاد احساسی، شناختی-ادراکی و رفتاری تجربه می‌شود. بعد احساسی این پیوند با غرور، رفاه روانی، اندوه دوری از محله، تعلق و عضویت و بعد شناختی-ادراکی دل‌بستگی با ریش و پختگی پیوند عاطفی، شکل‌گیری خود اجتماعی، دگردیسی در نظام معنایی مکان و از آن خود کردن مکان ادراک می‌شود. دل‌بستگی با الگوهای رفتاری جوارجویی انطباق‌پذیر، پیوندجویی، عمل جمعی و مشابهت‌جویی بازنمایی می‌شود. همچنین دل‌بستگی به خانه، خودتعیین‌گری، هویت مکان، دل‌پذیری بصری-شنیداری، منزلت مکان، مکان-رویدادهای پیونددهنده، کیفیت پاسخگویی و ثبات، عوامل سازنده و تقویت‌کننده دل‌بستگی به اختیاریه شناسایی گردید.

واژگان کلیدی: دل‌بستگی به مکان، دل‌بستگی به محله، محله ایرانی-اسلامی، اختیاریه.

مقدمه

پیوندهای عاطفی بینافردی اشاره دارد. بررسی پیشینه مطالعات در زمینه نظریه دلبستگی حاکی از پنج حوزه اصلی نظری در مطالعات روانشناختی بین فردی شامل ماهیت دلبستگی، دلبستگی به ماثبه سیستم رفتاری، مراحل و فرایند دلبستگی، سبک‌های دلبستگی و مولفه‌های سازنده دلبستگی ایمن است که به تصویری عمیق از این پیوند ارائه می‌کند.

دلبستگی به مکان‌ها و ریشه‌مندی مهمترین و ناشناخته‌ترین نیاز روح انسان است (Weil, 1952; Tuan, 1974; Relf, 1976). دلبستگی به مکان مفهومی پیچیده، چندوجهی و میان‌رشته‌ای و از موضوعات مهم در مطالعات روانشناسی محیطی به شمار می‌رود که علی‌رغم وجود تعاریف متعدد برای آن در پیشینه پژوهش‌ها، همواره به‌عنوان یک پیوند احساسی و شناختی مثبت میان مردم و مکان‌ها (Lewicka, 2011; Scannell and Gifford, 2013; Mihaylov and Perkins, 2014) بر شمرده شده است.

تعاریف ارائه شده از دلبستگی به مکان عمدتاً بر احساسی خاص به یک مکان مشخص تمرکز دارند و تمایز مشهودی میان تعریف این پدیده با دیگر پیوندهای روانشناختی مردم - مکان از جمله دلبستگی به اجتماع محلی^۵، هویت مکانی^۶، وابستگی به مکان^۷، حس مکان^۸، حس اجتماع^۹، تعلق به مکان^{۱۰} و رضایتمندی سکونت^{۱۱} وجود ندارد. هیدالگو و هرناندز برای رفع ابهام موجود و تبیین تمایز این مفهوم با ارجاع به نظریه دلبستگی، ویژگی اصلی دلبستگی به مکان را تمایل افراد به حفظ نزدیکی با آن مکان (جوارجویی) بر شمرده‌اند (Hidalgo and Hernandez, 2001: 274). در همین راستا اسکنل و گیفورد بر بعد احساسی این پیوند تاکید دارند و شکل‌گیری آن را همراه با تجربه احساسات مثبتی همچون عشق، لذت، غرور و یا احساسات ناخوشایندی مانند غم، اندوه و دلتنگی افراد به دلیل دوری از آن مکان و یا از دست دادن آن (Scannell and Gifford, 2013: 275) معرفی کرده‌اند. همچنین در برخی مطالعات، با شناسایی رفتارهای ناشی از دلبستگی به مکان، تصویری جامع‌تر از ماهیت رفتاری این پیوند ارائه شده است. برای مثال شکل‌گیری دلبستگی به مکان با شکل‌گیری رفتارهایی مانند حمایت از جنبه‌های محیط‌زیستی و میراث طبیعی مکان (Song & et al., 2019; Ramkissoon, 2013) و تمایل به مشارکت در امور مربوط به مکان (Lewick, 2011; Anton and Lawrence, 2016)؛ Wu et al., 2019) باز نمود می‌یابد.

اگرچه دلبستگی به مکان مفهومی است که از بسط نظریه دلبستگی جان بالبی و مطالعات پس از آن حاصل شده است، اما رابطه بین این دو نظریه در پیشینه مطالعات مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و محققان علوم اجتماعی و روانشناسی محیطی کمتر به تبیین و توصیف عمیق ماهیت روانشناختی این پیوند پرداخته‌اند. تنها پژوهش هیدالگو و هرناندز در سال ۲۰۰۱ است که با ارجاع به نظریه بالبی، ویژگی جوارجویی به مکان را تمایز این پیوند با دیگر پیوندهای عاطفی مردم - مکان معرفی کرده است (Hidalgo and Hernandez, 2001: 274).

شهرها همچون ساختارها و سیستم‌هایی پویا همواره در حال تغییر و دگرگونی بوده‌اند. در خلال این تغییرات و شهری شدن فزاینده در کشور، محله نیز به عنوان بنیادی‌ترین عنصر شکل‌دهی به حیات اجتماعی شهر با دگرگونی در ساختار فضایی و سازمان اجتماعی و تضعیف پیوندهای روانشناختی مردم - محله مواجه شده است. این در حالی است که شکل‌گیری احساس دلبستگی و تعلق ساکنان به محله در شهر ایرانی - اسلامی از مولفه‌های اصلی در تعریف این واحد فضایی بوده و بنیان هویتی افراد را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. بی‌توجهی طرح‌های توسعه شهری به ابعاد احساسی پیوندهای مردم - محله طی دهه‌های متمادی محله‌ها را در شهرهای کشور با تحرک مسکونی و جابه‌جایی‌های شدید جمعیتی مواجه کرده است.

بررسی پیشینه مطالعات حاکی از تمرکز بیشتر پژوهشگران بر تحرک اجتماعی ناشی از دلایل فردی و نیروهای بیرونی است. همچنین کمبود مطالعاتی مشاهده می‌شود که دلایل ماندن و ریشه دواندن احساسی افراد در محله را تحت تاثیر نیروهای درونی و ویژگی‌های مکانی و اکاوی نماید و سیاست‌ها و راهبردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری مکان‌محوری را برای تقویت پیوندهای مردم - محله ارائه کند.

به نظر می‌رسد دستیابی به چنین سیاست‌ها و راهبردهایی در گام نخست، نیازمند شناختی عمیق از مفهوم و فرایند روانشناختی شکل‌گیری دلبستگی به محله و مولفه‌های تاثیرگذار بر آن در بستر شهرهای ایرانی و از خلال مطالعه تجربه زیسته ساکنان دلبسته به محله است. بر این اساس هدف این مقاله شناسایی تجربه زیسته ساکنان محله اختیاریه تهران از دلبستگی به محله و مولفه‌های مکانی و روانشناختی تاثیرگذار بر آن از طریق به کارگیری راهبرد کیفی و روش نظریه داده بنیاد است. انتخاب محله اختیاریه با توجه به تکنیک نمونه‌گیری شدت^۱ انجام شده است در این تکنیک مواردی برای مطالعه گزینش می‌شوند که در موضوع مورد پژوهش در برجسته‌ترین نقطه قرار دارند. چنین نمونه‌ای به غنی از اطلاعاتی^۲ است که می‌تواند به بهترین نحو پدیده مورد تحقیق را تبیین و تفسیر کند.

بر این اساس با رجوع به نتایج پیمایش شهرداری تهران در سال ۱۳۹۶، محله اختیاریه که یکی از ده محله نخست تهران از منظر شاخص احساس تعلق محله‌ای معرفی شده (رصدخانه شهری تهران، ۱۳۹۶: ۱۰) و همچنین دارای هسته‌ای ارگانیک و سنتی است، انتخاب گردید.

پیشینه مطالعات

دلبستگی به مکان

ریشه مطالعات دلبستگی به مکان به نظریه جان بالبی^۳ از دلبستگی باز می‌گردد. نظریه دلبستگی^۴ که یکی از برجسته‌ترین مفاهیم روان‌شناسی معاصر در حوزه نظریات روانشناختی پیرامون عشق و دلبستگی است و به فرایند شکل‌گیری و قطع شدن

دلبستگی به محله

محله یکی از مقیاس‌های اصلی در مطالعات دلبستگی به مکان است. نتایج پژوهش لویکا که پیشینه ۴۰ سال از مطالعات دلبستگی به مکان را مرور و تحلیل کرده است، نشان می‌دهد که محله محبوب‌ترین مقیاس فضایی در مطالعات دلبستگی به مکان بوده و حدود ۷۵ درصد از پیشینه مطالعات در این مقیاس به انجام رسیده است (Lewicka, 2011).

دلبستگی به محله^۲ به معنای رابطه احساسی یک فرد نسبت به ویژگی‌های کالبدی و یا اجتماعی محله بر شمرده می‌شود (Fornara et al., 2019; Bonaiuto, 2015) شکل‌گیری این پیوند عاملی بسیار مهم در شکل دادن به نحوه رفتار ساکنان در تعامل با محیط و اجتماع محلی، و همچنین ارتباط با همسایگان به شمار می‌رود (Comstock & et al, 2010: 435). دلبستگی به محله واجد دو بعد متمایز «دلبستگی نگرشی» و «دلبستگی رفتاری»^۳ است. دلبستگی نگرشی حاصل از ارزیابی مثبت ساکنان از پاسخگویی محله به نیازها و اهداف آنان است. همچنین دلبستگی نگرشی پیوند احساسی ساکنان با محله را در بر می‌گیرد. بعد احساسی در مقایسه با بعد ارزیابی در دلبستگی نگرشی، کمتر متکی بر منطق است و بر شکل‌گیری رابطه احساسی عمیق فرد با محله اشاره دارد. دریافت دلبستگی رفتاری به محله را مداخله مستقیم فرد در اجتماع محلی بر می‌شمرد که در قالب رفتارهایی چون همسایگی و حل مشکلات محله به صورت جمعی بروز می‌یابد (Greif, 2009).

به اعتقاد لو و آلتمن دلبستگی به محله، حراست از هویت

فردی، گروهی و فرهنگی را در پی دارد و نقش مهمی در پرورش عزت نفس و غرور فردی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کند (Low & Altman, 1992 as cited in Lewicka, 2005: 381). دلبستگی به محله انگیزه مهمی برای ساکنان جهت اختصاص زمان بیشتر برای حضور در مکان‌های محلی، ملاقات و گفت‌وگو با همسایگان پیرامون مشکلات محله و دستیابی به راه‌کارهایی برای حل آن‌ها است. همچنین شکل‌گیری این پیوند با پایداری سکونت و تلاش برای حفظ و بهبود محله و حفاظت از جامعه محلی همراه است (Mihaylov & Perkins, 2014: 61).

بررسی پیشینه مطالعات در کشور نیز نشان می‌دهد که تضعیف و گسست پیوندهای روانشناختی مردم - محله می‌تواند آثار زیانباری برای محله از جمله کاهش احساس امنیت و ثبات (لک، ۱۳۹۴: ۲۱) کاهش مناسبات همسایگی و افزایش تمایل به ترک محله (عربی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲؛ لک، ۱۳۹۴: ۲۸)، گسترش روحیه منفعت‌طلبی (عربی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲)، افزایش آسیب‌های اجتماعی (منتظرالحجه و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶؛ Kamalipour & et al, 2012: 460)، و آشفتگی و گسیختگی اجتماعی (عربی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲؛ Kamalipour & et al, 2012: 460) به همراه داشته باشد.

نتایج پژوهش‌ها در کشور موبد تاثیر گذاری طیف متنوعی از مولفه‌ها در ابعاد کالبدی و اجتماعی - فرهنگی مکان بر دلبستگی مکانی در مقیاس محله است (جدول ۱).

جدول شماره ۱: ابعاد و شاخص‌های مکانی تاثیر گذار بر دلبستگی به محله در پیشینه مطالعات کشور

ابعاد مکان	شاخص‌ها و ویژگی‌ها	مراجع
مؤلفه‌های کالبدی - محیطی	دسترس پذیری امکانات و تسهیلات محلی	امیر کافی و فتحی، ۱۳۹۰-زمانی و هنرور، ۱۳۹۶
	تداوم فضا-زمان	زمانی و هنرور، ۱۳۹۶
	حظ بصری	زمانی و هنرور، ۱۳۹۶
	سیمای محله (تصویر ذهنی)	رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶
	وجود فضاهای باز در محله	Javan Forouzande & Motallebi, 2012- Kamalipour & et al, 2012
	نبود ازدحام	Kamalipour & et al, 2012
	دسترسی مناسب	Kamalipour & et al, 2012
	پاکیزگی - نگهداری محیطی مطلوب	رحیمی و همکاران، ۱۳۹۲- Kamalipour & et al, 2012
	کیفیت محیطی	سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴- Karami, et al., 2014
	شان - عناصر هویت بخش محلی	زمانی و هنرور، ۱۳۹۶- لک، ۱۳۹۴
مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی	ارزش‌های اجتماعی مکانی	نقدی و همکاران، ۱۳۹۵
	وجود شبکه روابط محلی - صمیمیت اجتماع محلی - پیوندهای اجتماعی محله‌ای - برخورد های روزانه بین ساکنان	امیر کافی و فتحی، ۱۳۹۰- باستانی و نیکزاد، ۱۳۹۳- لک، ۱۳۹۴- زمانی و هنرور، ۱۳۹۶- Kamalipour & et al, 2012
	سکونت خویشاوندان در محله	Kamalipour & et al, 2012
	مذهب	زمانی و هنرور، ۱۳۹۶
	مشارکت‌جویی ساکنان در طرح‌های و برنامه‌های شهری	Kamalipour & et al, 2012
	نبود جرائم- احساس امنیت و نظم اجتماعی - فقدان تنش‌های فرهنگی در محله	Kamalipour & et al, 2012؛ زمانی و هنرور، ۱۳۹۶

این نتایج که اغلب در چارچوب راهبرد پژوهش کمی، روش پیمایش و متکی بر سنجش شدت پیوند بدست آمده‌اند، علی‌رغم توجه به طیف گسترده‌ای از شاخص‌ها، تصویری عمیق را از فرایند روانشناختی شکل‌گیری دلبستگی تحت تاثیر مولفه‌های برشمرده ارائه نکرده‌اند.

حس تعلق در محله ایرانی-اسلامی

سازمان فضایی شهر ایرانی-اسلامی مجموعه‌ای متشکل از محله‌های متجانس و همگن بر شمرده می‌شود. این تجانس برآمده از ویژگی‌های قومی، مذهبی و یا حرفه‌ای ساکنان بوده (ایازی، ۱۳۹۲: ۴۲) و به روابط، مناسبات و وابستگی‌های افراد در محله انسجام می‌بخشیده است.

همبستگی اجتماعی در این محله‌ها، منجر به شکل‌گیری تعلق به محله و احساس تمایز ساکنان نسبت به دیگر محله‌ها می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۶). بعلاوه محله در شهر ایرانی-اسلامی به دلیل برخورداری از ویژگی‌های کالبدی-عملکردی و اجتماعی واجد هویت و اصالت بوده است. محله در سنت شهرنشینی ایران بیش از آن که مفهومی برآمده از شهر و بنا باشد با حس تعلق ساکنان به مکان، تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر و مشارکت و همیاری آنان در امور محل زندگی‌شان شناخته می‌شود (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۰). انسجام، مقیاس و تناسب‌های انسانی از مهمترین ویژگی‌های محله‌های ایرانی-اسلامی است که موجب نزدیکی ساکنان و بالا رفتن ارتباط‌های چهره به چهره و رابطه‌های متقابل اجتماعی و تقویت و پایداری این روابط و در نهایت ایجاد جو صمیمی و اجتماعی میان همسایگان در محله می‌گردید (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۱: ۱۸).

برخورداری از محدوده‌ای مشخص با مرزهایی معین و قابل ادارک توسط ساکنان و خودکفایی محله در برآورد نیازهای روزمره آنان و شکل دادن به رویدادهای اجتماعی پیرامون نهادهای مذهبی و سنتی محله در قالب آیین‌ها و مناسک مذهبی، برخی دیگر از عوامل کالبدی-عملکردی موثر در دلبستگی و تعلق ساکنان به این واحد فضایی شناخته می‌شود.

در حقیقت استقرار خدمات محله‌ای در مرکز محله و خودتکایی این واحد فضایی در تامین نیازهای ساکنان (پیربابایی و سجاده‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۶) ضمن افزایش تبادل و ارتباطات روزمره آن‌ها با یکدیگر منجر به شکل‌گیری رویدادهای اجتماعی پیرامون نهادهای مذهبی و سنتی محله‌ای در قالب آیین‌ها و مناسک مذهبی می‌شد که نقش ویژه‌ای در تقویت پیوندهای عمیق اجتماعی میان ساکنان، گسترش روابط همسایگی و انسجام اجتماع محله‌ای و در نهایت ایجاد احساس تعلق خاطر به محله ایفا می‌کرده است.

روش تحقیق

با توجه به بررسی پیشینه مطالعات دلبستگی به مکان از منظر روش‌شناختی، تحقیق حاضر با اتخاذ راهبرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد به انجام می‌رسد. در این راهبرد مفهوم تجربه

زیسته نقشی اساسی دارد و هدف تحقیق، دستیابی به فهمی عمیق از ماهیت پدیده مورد مطالعه جهت بازگشایی معنا، بسط توصیف‌های ضخیم، تولید ایده‌ها، مفاهیم و نظریه مبتنی بر داده‌ها است (محمدپور، ۱۳۹۲ الف: ۳۴). داده‌های میدانی به صورت همزمان از طریق چهار ابزار «مصاحبه عمیق (نیمه ساختمند)» در ترکیب با روش استخراج عکس به عنوان ابزار اصلی و «پرسشنامه باز»، «نقشه ذهنی» و «اسناد، آثار مکتوب و غیرمکتوب» گردآوری شده است. تحلیل داده‌های متنی در این تحقیق با استفاده از تکنیک کدگذاری باز، محوری و انتخابی که تکنیکی در تحلیل داده‌ها در روش نظریه داده‌بنیاد است، انجام می‌گردد. بر این اساس جملات مهم مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ها و اسناد مکتوب در قالب گزاره‌هایی دقیق و صریح و حتی الامکان کوتاه و معنارسان تلخیص و با به کارگیری تکنیک کدگذاری در پنج مرحله شامل شناسایی مضامین، شناسایی مقوله‌های سطح اول، شناسایی مقوله‌های سطح دوم، تفکیک مقوله‌های خوشه‌ای، و شناسایی مقوله اصلی و هسته‌ای تحلیل می‌شوند.

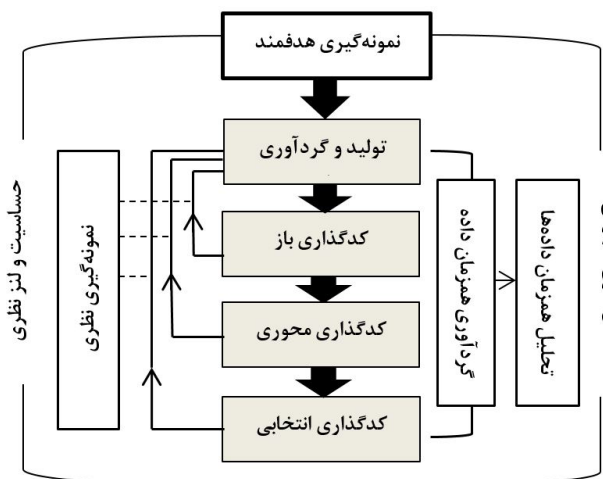
در چارچوب روش نظریه داده‌بنیاد، نمونه‌گیری برای شناسایی مشارکت‌کنندگان تحقیق با رویکرد هدفمند و از ترکیب روش‌های نمونه‌گیری معیار، حداکثر تنوع و نمونه‌گیری نظری حاصل شده است. بر این اساس در نمونه‌گیری معیار شاخص‌های «سن»، «مدت زمان سکونت بیشتر از ده سال»، «عدم تمایل به ترک محله (حتی در صورت توانمندی مالی)» و «علاقه‌مند بودن و لذت بردن از زندگی در محله» به عنوان پنج شاخص اصلی در گزینش ساکنان برای بررسی عمیق تجربه زیسته آنان از دلبستگی به محله برگزیده شدند. در شاخص سن، گروه سنی افراد منتخب حداقل ۱۵ تا ۶۵ سال تعیین گردید، زیرا که مطالعات نشان می‌دهد درک و تجربه این پدیده در گروه‌های سنی کودکان و سالمندان متفاوت است (Pretty & et al., 2003: 283).

در ادامه پس از لحاظ کردن شاخص‌های پنج‌گانه، به منظور حفظ تنوعی از نمونه‌ها هفت شاخص گروه سنی (جوان و میانسال)، جنسیت (زنان و مردان)، نوع خانوار (مجرد و متأهل بدون فرزند و متأهل دارای فرزند)، سطح تحصیلات، ارزش‌های متفاوت (مذهب)، الگوی مسکن (خانه ویلایی، آپارتمان تا ۶ واحد، آپارتمان‌های بیشتر از ۶ واحد، مجتمع‌های مسکونی)، و تجربه کودکی (تولد در محله/ تولد در محله‌ای دیگر) تعیین گردید. در مرحله نهایی از نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری نظری^{۱۵} مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه‌گیری نظری عبارت است از نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها (محمدپور، ۱۳۹۲ ب: ۳۲۵). این نمونه‌گیری در روش نظریه داده‌بنیاد در خلال گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها بر حسب مقوله‌های بر ساخته از داده‌ها انجام می‌شود.

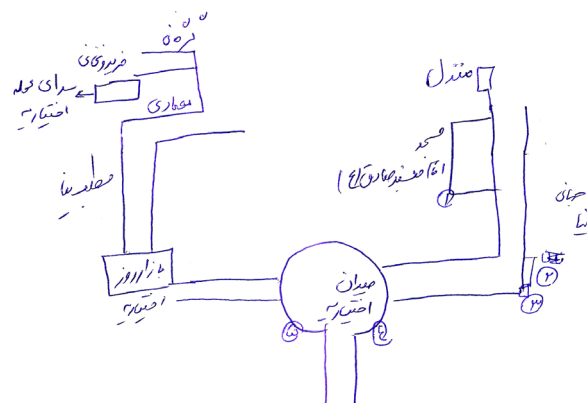
پس از انجام هر مصاحبه مرحله تحلیل آغاز و پس از شناسایی مضامین و مقوله‌ها، مشارکت‌کننده بعدی با توجه به شاخص‌های نمونه‌گیری معیار و حداکثر تنوع و همچنین مضامین و مقوله‌های

در حال ظهور انتخاب می‌شود تا صحت و اعتبار آن در مصاحبه با دیگر مشارکت کنندگان به سنجش گذاشته شود. این فرایند تا مرحله اشباع نظری^{۱۶} ادامه می‌یابد (نمودار ۱).

بر این اساس ۲۴ نفر از ساکنان محله اختیاریه متشکل از ۱۰ مرد و ۱۵ زن با میانگین سنی حدود ۵۰ سال و میانگین مدت زمان سکونت ۳۴ سال در محله اختیاریه به عنوان مشارکت کنندگان تحقیق انتخاب شدند.



نمودار شماره ۱: فرایند گردآوری و تحلیل اطلاعات



تصویر شماره ۱: نمونه‌ای از نقشه شناختی مشارکت کنندگان تحقیق
ماخذ: داده‌های پژوهش

چارچوب مفهومی-تحلیلی

در این بخش با اتکاء بر مرور پیشینه مطالعات، چارچوب مفهومی - تحلیلی مقاله با هدف ارائه نقشه راهی برای دستیابی به پاسخ‌های مربوط به پرسش‌های تحقیق ارائه می‌شود.

در روش نظریه داده‌بنیاد، استدلال‌های استقفاهی - قیاسی بنیان کار است و از استدلال‌های قیاسی-فرضیه‌ای به شدت پرهیز می‌شود. از این رو این چارچوب در برگیرنده مولفه‌ها و مفاهیم اصلی از پدیده دل‌بستگی به محله جهت ایجاد حساسیت نظری برای جهت‌دهی به مطالعات میدانی، نحوه انتخاب نمونه‌ها، شناسایی مراجع اصلی در مشاهده و گردآوری داده‌های ثانویه، و تنظیم پرسش‌های مصاحبه عمیق و الهام بخشی به ایده‌های تکوینی در مرحله تحلیل داده‌ها است.

بر این اساس جهت دستیابی به چشم‌اندازهایی نوین به نظریه دل‌بستگی به محله از خلال مطالعه عمیق محله اختیاریه، پیشینه مطالعات دل‌بستگی به محله و نظریه جان بالبی به عنوان چارچوب هدایتگر و لنز نظری^{۱۷} تحقیق انتخاب گردید. اصلی‌ترین محورها در این چارچوب مفهومی - تحلیلی بر اساس پرسش‌های تحقیق که باید در مطالعات میدانی مورد مطالعه عمیق تر قرار گیرد، در چهار محور اصلی به شرح زیر تعیین گردید.

الف-ماهیت ادراکی-احساسی دل‌بستگی به محله: به مثابه؛ پیوندی عاطفی-اجتماعی و پایگاه امنیت روانی در افراد، زنجیره‌ای از احساسات مثبت (لذت، رضایت) و تاثیرگذار بر ادراک فرد از محله و تجربه ارتباطی وی با آن.

ب-فرایند روانشناختی شکل‌گیری و استحکام دل‌بستگی به محله تحت تاثیر عامل زمان، ابعاد شناختی و ادراکی: شامل حافظه، خاطره، هویت مکانی، الگوها و سبک‌های مختلف از دل‌بستگی به محله

ج-بازنمایی رفتاری دل‌بستگی به محله: در قالب سکونت پایدار، افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی

د-ویژگی‌های محله: تاثیر ابعاد کالبدی مکان از جمله فضای سبز، امکانات، فاصله کوتاه در دسترسی به امکانات، نبود آلودگی و ابعاد اجتماعی مکان شامل روابط اجتماعی با همسایگان، برخوردهای روزانه، نبود جرائم، و امکان کنترل محیط.

محله اختیاریه

محله اختیاریه با وسعت ۲۵۴ هکتار در حوزه کوهپایه‌ای تهران در ناحیه سه از منطقه سه شهرداری تهران واقع شده است و جمعیتی معادل ۴۴,۲۰۹ نفر دارد (ستاد هماهنگی شورایاری‌های شورای اسلامی شهر تهران، ۱۳۹۵). این محله در تقسیم‌بندی کنونی شهرداری تهران از شمال به بزرگراه صدر، از جنوب به خیابان شهید کلاهدوز، از غرب به بزرگراه کاوه و از شرق به خیابان پاسداران منتهی می‌شود. این محدوده در حقیقت دربرگیرنده هسته اولیه اختیاریه و بخش زیادی از اراضی رستم‌آباد است. اختیاریه دارای بافتی تاریخی و ارگانیک با منشأ روستایی است (ایازی، ۱۳۹۲: ۳۰۷) که بر پایه ویژگی‌های طبیعی محله شکل گرفته و از ویژگی‌های بارز آن نیز کوچه‌های باریک و پرپیچ و خم آن است. محدوده اختیاریه واجد طرح پیش‌اندیشیده شده (طرح شهری / خیابان کشی) بوده و محدوده رستم‌آباد نیز به صورت ارگانیک شکل گرفته است (ایازی، ۱۳۹۲: ۲۶۷). گسترش توسعه‌های شهری و احداث خیابان‌های جدید در تهران و افزایش استفاده از اتومبیل از سال‌های ۱۳۳۲، بخشی از بافت ارگانیک و نامنتظم اختیاریه را دستخوش تغییر کرده است، به نحوی که امروزه این محله دربرگیرنده ترکیبی از بافت ارگانیک در هسته محله اختیاریه و بافت منتظم در بخش‌های غربی تر و نوساز محله است. شایان ذکر است در خلال تحولات شهر تهران، قشربندی اجتماعی ساکنان اختیاریه که متشکل از اهالی روستای رستم‌آباد، کارگران کارخانه مهمات‌سازی، و

مهاجران به شهر تهران بود، تغییر کرده است و هم اکنون ساکنان اولیه هسته روستایی در ترکیب با جماعات شهری متعلق به طبقه متوسط و متوسط-بالا، چهره اجتماعی و جمعیت فعلی این محله را شکل می‌دهند (همان: ۳۶۱).

ساکنان فعلی محلات شمیران کمتر تمایل به خارج شدن از این محدوده و سکونت در سایر بخش‌های شهر دارند. این حوزه که دارای تداوم سکونت و همگنی نسبی به لحاظ سکونت اقشار اجتماعی و دهک بالای اقتصادی است، قابلیت ویژه‌ای را در جهت شکل‌گیری جامعه شهری دارد (همان: ۳۲۳).

نتایج پیمایش‌ها حاکی از توانمندی اقتصادی ساکنان اختیاریه و کم بودن جمعیت زیر خط فقر در این محله است. وضعیت این شاخص در اختیاریه در قیاس با محله‌های همجوار و در مقایسه با محله‌های منطقه ۳ حکایت از وضعیت مطلوب اقتصادی خانوارهای ساکن در این محله دارد (رصدخانه شهری تهران، ۱۳۹۵: ۱۸)

خیابان و میدان اختیاریه استخوان‌بندی اصلی محله به شمار می‌رود و سازمان فضایی این محله پیرامون این دو عنصر اصلی شکل گرفته است. میدان اختیاریه به عنوان مرکز اصلی محله، محل استقرار کاربری‌های آموزشی، مذهبی، تجاری محله‌ای، میدان تره‌بار و تنوعی از انواع فعالیت‌های مربوط به خدمات محله‌ای است. خیابان اختیاریه که در محوری شمالی-جنوبی از محدوده میدان اختیاریه گذر می‌کند، اصلی‌ترین محور فعالیتی محله و دارای کاربری مختلط متشکل از واحدهای تجاری و خرده‌فروشی‌های متعددی است که در لبه این خیابان مستقر شده‌اند. تمرکز کاربری‌ها و فعالیت‌هایی که به نیازهای ضروری زندگی روزانه ساکنان پاسخ می‌دهند و استقرار کاربری‌های مذهبی مانند حسینیه همدانی‌ها، مسجد اعظم (شهید شاه آبادی) و شکل‌گیری مناسک مذهبی و آیینی محله‌ای پیرامون آن‌ها، میدان و خیابان اختیاریه را به اصلی‌ترین قرارگاه رفتاری ساکنان در محله بدل کرده است.

تحلیل یافته‌های تحقیق میدانی

بررسی تجربه زیسته ساکنان اختیاریه از ماهیت و عوامل تاثیرگذار بر دل‌بستگی به محله از طریق گردآوری و تحلیل هم‌زمان، غیرخطی و تکوینی داده‌ها در قالب ۲۳ مقوله اصلی و یک مقوله هسته‌ای (پدیده اصلی در حوزه معنایی) شناسایی گردید که در پنج خوشه مقوله‌ای به شرح جدول شماره ۲ تقسیم‌بندی و برجسته‌گذاری شدند. مقوله هسته‌ای، مرکز ثقل نظری به شمار می‌رود که دیگر خوشه‌های مقوله‌ای به دور این پدیده، طیف معنایی و نظری منظم‌تری می‌یابند.

خوشه‌های مقوله‌ای «بعد احساسی»، «بعد فرایند روانشناختی» و «بعد رفتاری» ابعاد ماهوی و فرایندی مقوله هسته‌ای را تشریح و توصیف می‌کنند. «مولفه‌های علی و تاثیرگذار» اصلی‌ترین علل و عواملی هستند که به صورت مستقیم بر ادارک و تجربه زیسته افراد از دل‌بستگی به محله اختیاریه تاثیر می‌گذارند. «پیامدهای

دل‌بستگی به محله در مقیاس جامعه محلی» نیز از دیگر خوشه‌های مقوله‌ای شناسایی شده در تبیین این مفهوم است که پیامدهای شکل‌گیری دل‌بستگی ساکنان به اختیاریه را در سطح جامعه محلی توصیف می‌کند. شکل‌گیری عرصه عمومی خرد، سرمایه و انسجام اجتماعی و پایداری سکونت در این محله پیامدهای اصلی دل‌بستگی ساکنان به محله اختیاریه است.

ماهیت دل‌بستگی به محله اختیاریه

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ادارک و تجربه دل‌بستگی به محله در افراد همچون امتداد حس خانه در مقیاس محله است. دل‌بستگی به محله موقعیتی احساسی-ادراکی از بودن در فرد است که به واسطه برقراری ارتباط و پیوندی عاطفی، هیجانی و مثبت با محله ایجاد می‌شود. دل‌بستگی به محله همچون نیازی ذاتی در افراد برای دل‌بستگی به منبعی مکانی برای کسب آرامش و امنیت است. در این پیوند فرد محله را به مثابه نگاره دل‌بستگی، کانون امنیت وجودی و منبع کسب آسایش و آرامش ملموس ادراک می‌کند. این پیوند عاطفی با بازنمایی احساسی، ادراکی-شناختی و رفتاری ویژه‌ای همراه می‌شود.

بعد احساسی دل‌بستگی به محله اختیاریه

بعد احساسی این پیوند در قالب چهار مقوله «رفاه روانی»، «غرور»، «اندوه دوری»، و «حس تعلق و عضویت» ادراک و بازنمایی می‌شود.

افرادی که دل‌بستگی به محله اختیاریه را تجربه می‌کنند با دوری از محله دچار اندوه می‌شوند. این اندوه ناشی از اضطراب جدا شدن و دوری از اختیاریه به مثابه نگاره دل‌بستگی است:

«... [همسرم یک خانه سمت «بهار» تهرانپارس داشت. دوسه سال به آنجا رفتیم. تمام بچه‌هایم از نظر روحی مریض شدند. آن‌ها گریه می‌کردند و می‌گفتند «برویم در همان اختیاریه کنار خیابان چادر بز نیم و زندگی کنیم». بالاخره شوهرم ما را برگرداند و آمدیم اینجا مستأجر شدیم. [...] هر جا که بخواهیم برویم باید درون اختیاریه باشد. اگر در شرایطی مجبور بشوم محله را ترک کنم احساس خیلی بدی خواهم داشت! احساس مرگ! تا این حد! به صورت دل‌خواهی، اصلاً نمی‌توانم اینجا را ترک کنم.»

دل‌بستگی به محله تجربه‌ای از احساس رفاه روانی است که با مقوله‌های رضایت، لذت، صمیمیت، اطمینان و اعتماد همراه است. در این معنا فرد ارزیابی مثبتی از ارتباط با مکان کالبدی و اجتماعی محله دارد و احساس رضایت می‌کند. سکونت، بودن و حضور در فضاها محله و تعامل با همسایگان و جامعه محلی برای وی لذتبخش است. دل‌بستگی به محله با تجربه سطحی از احساس صمیمیت، اطمینان و توانایی اعتماد کردن به محله و جامعه محلی همراه است. تجربه احساس صمیمیت با محله (محیط کالبدی و اجتماعی) به معنای احساس تمایل فرد به برقراری ارتباط، تبادل احساس‌ها، بیان و به اشتراک گذاشتن خواسته‌هایش است:

«با همسایه‌ها صمیمی هستم. اگر خدای ناکرده برای من اتفاقی بیفتد، اولین کسی که آدم به او دسترسی دارد، همسایه است. خدا

را صد هزار مرتبه شکر با هم اینقدر در ارتباط هستیم که رویشان حساب می‌کنیم.»

دل بستگی به محله با احساس غرور همراه است و فرد از سکونت در محله احساس مباهات می‌کند. این احساس با تحسین و تفاخر نسبت به محیط کالبدی و اجتماعی محله همراه است و فرد حسی از ارزشمندی و عزت نفس را در خود به واسطه سکونت، حضور در محله و تعامل با همسایگان و جامعه محلی دارد.

دل بستگی به محله تجربه‌ای ذهنی-احساسی از بودن و تعلق داشتن به محله و اجتماع محلی است که با آن احساس نزدیکی و آشنایی دارد. در این معنا فرد به عنوان عضوی از محله؛ به

مثابه خانه و یک محیط خانوادگی گرم، احساس پذیرفته شدن و مورد حمایت قرار گرفتن را از سوی جامعه محلی، همسایگان و تسهیلات و خدمات محله‌ای دارد.

بعد ادراکی-شناختی دل بستگی به محله اختیاریه

دل بستگی به اختیاریه واجد وجهی شناختی-ادراکی است که در حقیقت فرایند روانشناختی شکل‌گیری این پیوند را تشریح می‌کند.

بررسی تجربه زیسته ساکنان اختیاریه نشان می‌دهد که تجربه ذهنی افراد از دل بستگی به محله فرایندی است که با «رسش و پختگی»^{۱۸} پیوند عاطفی، «شکل‌گیری خود اجتماعی»،

جدول شماره ۲: شناسایی مقوله‌های تبیین‌کننده پدیده دل بستگی به محله اختیاریه در فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی

ردیف	کدگذاری باز		کدگذاری محوری		کدگذاری انتخابی			
	مقوله سطح اول		مقوله سطح دوم		خوشه مقوله‌ای			
۱	غم-دل‌تنگی		اندوه دوری		بعد احساسی			
۲	احساس رضایت-لذت-صمیمت-اطمینان-اعتماد		رفاه روانی					
۳	تحسین-تفاخر و مباهات-حس ارزشمندی و عزت نفس		غرور					
۴	پذیرفته شدن-حمایت شدن		حس تعلق و عضویت					
۵	هویت‌یابی جمعی و مکانی-قلمروسازی-نظارت اجتماعی غیررسمی-نامگذاری غیررسمی مکان‌ها		از آن خود کردن مکان		پیوند روانشناختی			
۶	نقش اولیه سائق‌های اولیه-تقدم یافتن سائق‌های ثانویه		رسش و پختگی پیوند عاطفی					
۷	درونی کردن هنجارهای بیرونی اجتماع محلی		شکل‌گیری خود اجتماعی					
۸	آشنایی با مکان-شکل‌گیری خاطرات-ذخیره کردن معانی		دگردیسی در نظام معنایی مکان					
۹	فراخوانی خاطره-حضور در فضاهای محلی با انگیزش‌های ثانویه-دیدار با همسایگان، عدم تغییر مکان سکونت-سکونت در جوار محله-عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی محله		جوارجویی انطباق پذیر		بعد رفتاری (مقیاس فردی)			
۱۰	ایجاد فضای ارتباطی درون محله‌ای-توسعه کمی و کیفی ارتباطات محله‌ای-گروه‌سازی		پیوندجویی					
۱۱	مشارکت-تفريح جمعی-کنش اعتراضی		عمل جمعی					
۱۲	مکان‌های تداعی‌کننده خاطرات-سندروم بازگشت به خانه		مشابهت جویی					
۱۳	حیاط دار بودن-مستقل بودن خانه		دل بستگی به خانه		موتنه‌های علی و تاثیرگذار			
۱۴	هماهنگی با ارزش‌ها و هنجارهای فردی-یکدستی نسبی ایدئولوژیک و مذهبی ساکنان		خود تعیین‌گری					
۱۵	تمایز-تشخص مکان-بافت اجتماعی مذهبی-الگوی سنتی بافت محله		هویت مکان					
۱۶	شان بالای اجتماعی و فرهنگی-برخورداری از پیشینه تاریخی-شان بالای اقتصادی		منزلت مکان					
۱۷	خوشنوايي-زیبایی-حضور طبیعت		دل‌پذیری بصری-شینداری					
۱۸	روتین‌های روزمره مکان-مناسک ارتباطی مکان مبنا		مکان رویدادهای پیوند دهنده					
۱۹	خود کارآمدی محله-پاسخگویی بی‌درنگ و مستمر-فاصله نزدیک تا خدمات محله‌ای		کیفیت پاسخگویی					
۲۰	ثبات نسبی کالبد-ثبات و عدم تغییر نسبی اجتماع محلی		ثبات					
۲۱	انتقال بین نسلی سکونت		سکونت پایدار				پایدها (در مقیاس جامعه محلی)	
۲۲	مناسک و رویدادهای مذهبی		شکل‌گیری عرصه عمومی خرد					
۲۳	تعهد اجتماعی-مسئولیت‌پذیری-تلاش در جهت بهبود(مبتنی بر مذهب)		سرمایه و انسجام اجتماعی					

امتناد حس خانه در مقیاس محله

«دگرذیسی در نظام معنایی مکان»، و «از آن خود کردن مکان» بازنمایی می‌شود.

مطالعه و بررسی تجربه زیسته افراد مختلف حاکی از آن است که ساکنان محله تحت تاثیر شرایط محیطی، اجتماعی و ویژگی‌های فردی، پیوندی عاطفی با سطوح و شدت متفاوت با محله برقرار می‌کنند. این پیوند ماهیتی ایستا ندارد، پویا است و می‌تواند در طول زمان دچار تحول می‌شود. پیوند عاطفی افراد با محله در ابتدای سکونت تحت تاثیر نیازها و سائق‌های اولیه همچون دسترسی به خدمات پایه و ویژگی‌های کالبدی در محله است. این سطح از پیوند عاطفی، بیشتر در قالب وابستگی افراد به برآورد نیازهای کالبدی و پایه تجربه می‌شود. افرادی که چنین سطحی از پیوند عاطفی را با محله برقرار می‌کنند، در صورت ایجاد هرگونه اختلال در پاسخگویی محله به سائق‌های اولیه دچار گسست در رابطه عاطفی با محله می‌شوند.

با افزایش مدت زمان سکونت، افراد رابطه عاطفی پیچیده‌تری با محله برقرار می‌کنند که حاکی از نوعی رشد و پختگی در این ارتباط است. شدت پیوند عاطفی در این سطح از پیوند افزایش می‌یابد و این سائق‌های ثانویه و نیازهای روانی و اجتماعی افراد است که محرک و پیشران اصلی در دل‌بستگی به محله است. در این سطح از پیوند عدم پاسخگویی به سائق‌های اولیه در محله نمی‌تواند منجر به گسست عاطفی فرد از محله شود.

در فرایند ادراکی و شناختی شکل‌گیری و تحکیم دل‌بستگی ساکنان به محله اختیاریه، «خود اجتماعی» در مقیاس جامعه محلی شکل می‌گیرد. در این فرایند افراد هنجارها، ارزش‌ها و منافع جامعه محلی را درونی کرده و در جهت تحقق آن می‌کوشند. در حقیقت با شکل‌گیری و مستحکم تر شدن دل‌بستگی ساکنان اختیاریه به محله، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع محلی بر ارزش‌ها و هنجارهای فردی (من فردی) مقدم برشمرده می‌شود. این تحول شناختی در رفتار ساکنان و با شکل‌گیری «کنش جمعی» در آن‌ها بازنمایی می‌شود.

با شکل‌گیری و تحکیم دل‌بستگی به محله، نظام معنایی مکان نیز در ساکنان اختیاریه دچار دگرذیسی می‌شود. به این معنا که محله از موقعیتی جغرافیایی به موقعیتی سرشار از معانی درونی شده تبدیل می‌شود. این دگرذیسی در نظام معنایی مکان با روند تکوینی شکل‌گیری حافظه افراد از محله همراه می‌شود. بر این اساس در وهله نخست حافظه روندی^{۱۹} در خلال تکرار روتین‌های روزمره در ساکنان شکل می‌گیرد. با تعمیق حافظه روندی، احساس آشنایی با محله در آن‌ها تقویت می‌شود. با گسترش سطح تعامل ساکنان با محله، حافظه رویدادی^{۲۰} و حافظه معنایی^{۲۱} در آنان شکل می‌گیرد. حافظه رویدادی اشاره به خاطرات، تجارب شخصی و جمعی از اتفاقاتی دارد که در محله شکل می‌گیرد. حافظه معنایی نیز به معنای شکل‌گیری و ذخیره معانی محیطی در ذهن افراد است. در حقیقت شکل‌گیری این حافظه به این معنا است که ساکنان در اثر افزایش تعامل (فعال

و غیر فعال) در خلال روتین‌های روزمره و تجارب و خاطرات شخصی و جمعی در محیط، معانی ویژه‌ای را به محله ضمیمه می‌کنند.

ساکنان در فرایند شناختی-ادراکی دل‌بستگی به محله، مکان را از آن خود می‌کنند. «هویت‌یابی جمعی و مکانی»، «قلمروسازی»، «نظارت اجتماعی غیررسمی» و «نامگذاری غیررسمی فضاهای محله‌ای» برخی از تاکتیک‌های رفتاری در بازنمایی این پیوند روانشناختی در ساکنان اختیاریه شناسایی گردید.

بعد رفتاری دل‌بستگی به محله اختیاریه

مطالعه تجربه احساسی، شناختی و ادراکی ساکنان از دل‌بستگی به محله اختیاریه به مثابه امتداد حس خانه در مقیاس محله در قالب الگوهای رفتاری مشخصی از جمله «جوارجویی انطباق‌پذیر»، «پیوندجویی»، و «کنش‌های اعتراضی» بازنمایی می‌شود.

ساکنان دل‌بسته تمایل دارد که در ارتباط نزدیک با محله باقی بماند. بررسی تجارب زیسته ساکنان اختیاریه نشان می‌دهد که حفظ تداوم سکونت در محله اصلی‌ترین الگوی جوارجویی افراد با محله است، اما افراد منطبق با محدودیت‌ها و شرایط اجتماعی و اقتصادی خود، تمایل به جوارجویی را در شکل رفتارهایی متفاوت چون «یادآوری تجارب لذت بخش از محله»، «حضور در فضاهای عمومی محله»، «دیدار با جامعه محلی» و «سکونت در جوار محله» بازنمایی می‌کنند. ساکنان اختیاریه تجارب خود از جوارجویی انطباق‌پذیری را چنین نقل می‌کنند:

"کلاً خاطرات زیادی با بچه‌های آن مدرسه داشتیم؛ هنوز هم که هنوز است، چشمان دنبال آن فضا است، و هر وقت که رد می‌شویم، درش را نگاه می‌کنیم؛ گرچه بعداً تبدیل به انباری شد و از بین رفت. هر وقت از جلوی مدرسه رد می‌شویم، نگاهی می‌اندازیم و یاد خاطرات خودمان می‌افتیم."

"ما دوست داریم که در این کوچه‌ها قدم بزنیم. بهترین چیزش پیاده‌روی است. دوست داریم بیشتر در کوچه‌ها وول بخوریم." "من کسی را در این منطقه می‌شناسم که بچه‌ها همین اختیاریه است. الان خودش در دیباجی شمالی می‌نشیند. روزی ۵-۶ ساعت می‌آید و در میدان می‌ایستد. هر روز! [...] گاهی در میدان می‌نشیند، گاهی در مغازه دوستش، گاهی به ما سر می‌زند. او می‌گوید «من بچه‌ها این محل هستم، دوست دارم به اینجا سر بزنم و بچه‌ها را ببینم، یکی دو ساعت باشم، به قهوه خانه بروم [...] و همدیگر را می‌بینیم»."

به نظر می‌رسد این الگوهای رفتاری، تاکتیک‌های روانی و مکانیسم دفاعی^{۲۲} روانشناختی در افراد کنترل و به تعادل رساندن سطح استرس، کاهش اضطراب و اندوه دوری از محله است.

تمایل به برقراری پیوندهای اجتماعی در محله یکی دیگر از بازنمایی‌های رفتاری این پیوند در ساکنان دل‌بسته اختیاریه است. «ایجاد فضای ارتباطی»، «توسعه کمی و کیفی ارتباطات محلی» و «گروه‌سازی» متداول‌ترین الگوهای پیوندجویی در ساکنان دل‌بسته

مشاهده گردید. شایان ذکر است افراد از «مکان رویدادهای پیونددهنده» در محله به عنوان بستری برای پیوندجویی بهره‌مند می‌شوند. از این رو هرچه محله در ارائه چنین مکان‌هایی موفق‌تر باشد، پیوندجویی در سطوح بالاتری شکل می‌گیرد.

«برگزاری دوره‌های دوستانه با همسایگان و اعضای جامعه محلی» در فضاهای خصوصی (خانه)، نیمه عمومی (برای مثال کتابخانه، مسجد، پایگاه بسیج، سازمان‌های مردم‌نهاد محله‌ای) و عمومی (فضاهای باز محله‌ای)، و همچنین «شکل دادن به جماعت‌های آنلاین محله‌ای» برای برقراری ارتباط موثر با همسایگان، به اشتراک گذاشتن علائق مشترک و انجام فعالیت‌های جمعی محله‌ای برخی از اصلی‌ترین تاکتیک‌های ساکنان محله اختیاریه در پیوندجویی شناسایی گردید:

"همسایه‌ها سعی می‌کنند با برگزاری دعا، سفره یا جلسات قرآنی با همدیگر ارتباط داشته باشند [...] اغلب در جلسات تفسیر قرآن، در تکایا و در حسینیه‌ها هم محلی‌ها را ملاقات می‌کنیم."
"خودم همکاری‌هایی با بسیج داشتم. شروع همکاری مردم محله از مساجدشان است. در خانه‌ها هم خیلی برنامه دارند [...] من زیاد اهل پارک و پاساژ نیستم. دوستانم به خانه‌ام می‌آیند. [...] عده زیادی در خانه‌مان را می‌زنند، داخل می‌آیند، بگو بخند می‌کنند و چای و نسکافه می‌نوشند. [...] یکی از دوستانم گروهی مجازی دارد که اسمش را گذاشته «جواهری در شهر تهران». من هم همان حرف را می‌زنم. به نظرم اینجا یک جواهر است."

بررسی تجربه زیسته افراد دل‌بسته به اختیاریه نشان داد که دل‌بستگی به محله در بعد رفتاری با عمل جمعی همراه است که در قالب سه مقوله فرعی «مشارکت»، «تفریح جمعی» و «کنش اعتراضی» بازنمایی می‌شود. مشارکت ساکنان در امور محله‌ای اختیاریه در قالب مضامینی چون «همکاری و حضور در مناسک جمعی (ملی و مذهبی)»، و «انجام فعالیت‌های خودانگیخته و داوطلبانه (حول عنصر مذهب)»، ادارک و بازنمایی می‌شود:

"کارگاه خیاطی برای خانم‌های سرپرست خانوار گذاشته‌ایم. همچنین برای آن‌ها جایی تهیه کرده‌ایم که سبزی و پیازداغ درست کنند و بفروشند. تمام این کارها را در مسجد شهید شاه آبادی انجام می‌دهیم [...] سالی چند عروسی در مسجد می‌گیریم. ماهی ۴ یا ۵ جهیزیه می‌دهیم [...] وقتی مردم این چیزها را می‌بینند همه مشارکت می‌کنند."

ساکنان دل‌بسته به محله در شرایطی که با تهدید ثبات محله‌ای، مخدوش شدن معانی و ارزش‌های محیطی و فقدان هنجارهای اجتماع محلی مواجه شوند، رفتارهای نمایان عاطفی و هیجان‌محوری از خود بروز می‌دهند که در قالب «کنش‌های اعتراضی» با هدف حراست و حفاظت از مکان برچسب‌گذاری مفهومی گردید. یکی از تجارب ساکنان از کنش اعتراضی در اختیاریه چنین است:

"الان پشت سرای محله ما یک باغ هست که قبلاً دست یک پیرزن بود [...] بعداً «اوقاف» آن فضا را از وی گرفت [...] الان

زیر تمام درخت‌ها گازوئیل ریخته‌اند و دارند خشک می‌کنند. ما اینقدر گزارش دادیم، ولی چه کسی گوش می‌دهد؟"

انتخاب مکان‌های مشابه یکی دیگر از الگوهای رفتاری در افراد دل‌بسته به محله است. در طول زمان و با استفاده روزمره از فضاهای عمومی محله و ارتباط با جامعه محلی طرح‌واره‌ای ذهنی^{۳۳} از مفهوم زیسته محله در افراد بازتولید می‌شود. معنا، فرم، عملکرد و احساسی که مکان در فرد ایجاد می‌کند در تعاملی پویا و زمان‌مند در تولید و بازتولید این طرح‌واره ذهنی از محله نقش آفرینی می‌کنند. شکل‌گیری طرح‌واره ذهنی از محله منجر به ایجاد الگویی روانشناختی در فرد می‌شود که حالتی خودآگاه و گاه ناخودآگاه دارد که همچون مفهوم روانشناختی «سندروم بازگشت به خانه»، فرد محله‌ای را برای سکونت انتخاب می‌کند و یا به عنوان محله‌ای ایده‌آل برای سکونت ارزیابی می‌کند که برایش آشنا و به نوعی تداعی‌کننده مکان (معنا، احساس، عملکرد و فرم) از دست رفته؛ یعنی محله، باشد.

"این محله را بسیار دوست دارم و در صورت اجبار به جابه‌جایی، محله‌ای شبیه به این محله را انتخاب خواهم کرد."
مؤلفه‌های علی و تاثیرگذار بر دل‌بستگی به محله اختیاریه
دل‌بستگی به خانه یکی از عوامل علی در دل‌بستگی افراد به محله اختیاریه شناسایی گردید. این دل‌بستگی به طور معمول ناشی از حیاط دار بودن خانه و مستقل بودن آن ذکر شده است.

همانگی محله و اجتماع محلی با ارزش‌ها و هنجارهای درونی فرد به مثابه «خودتعیین‌گری» عاملی مهم در چرایی انتخاب محله برای سکونت و دل‌بستگی به آن است. به این معنی که دل‌بستگی به محله به مثابه برقراری پیوند و ارتباط با محیط و اجتماعی آشنا است که هم‌عرض با ارزش‌ها و هنجارهای درونی افراد است. بافت مذهبی و حفظ یکدستی ایدئولوژیک ساکنان اصلی‌ترین عامل در احساس خودتعیین‌گری در ساکنان اختیاریه شناسایی گردید:
"مردم اینجا تیب مذهبی دارند و با هم، با رغبت رفت و آمد می‌کنند [...] یکی از دوستانم [...] می‌خواهد همه فکرها و هم تیب‌های خودش یعنی تیب مذهبی را به اینجا بیاورد [...] الان ساکنین اینجا خیلی با هم جور هستند [...] چند خانم سن و سال دار می‌شناسم که به خاطر جو مذهبی و مساجدی که اینجا هست دوست دارند به اینجا بیایند."

حضور قابل لمس مکان به معنای هویت ویژه و قابل ادارک مکان از دیگر عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری دل‌بستگی به اختیاریه شناسایی شد. هویت مکان در تجربه زیسته ساکنان به معنای وجود ویژگی‌های منحصر به فرد محیطی و اجتماعی در محله است که آن را از دیگر محله‌های شهر متمایز و دارای شخصیتی ویژه کند. بافت اجتماعی مذهبی و فرم ارگانیک محله اختیاریه در بسیاری از مصاحبه‌ها با ساکنان به عنوان هویت اصلی و وجه متمایز محله معرفی شده است:

"زمانی که به این محل آمدم، به اختیاریه می‌گفتند «دار المؤمنین» [...] به خاطر فضای خوب و مؤمن اینجا [...] ارزش‌های اعتقادی

تقریباً در این محله یکسان است [...] این منطقه حالت روستایی داشت و سر تا سر اختیاریه باغ بود."

ادارک دلپذیری بصری-شنیداری محله در شکل‌گیری دل بستگی به اختیاریه تاثیر گذار بوده است. این مقوله در قالب دو مقوله فرعی «خوش‌نواپی محله»، و «حضور طبیعت» بازنمایی شده است.

خوش‌نواپی در تجربه زیسته افراد به معنای آرامش حاصل از سکوت، نبود اصوات آزاردهنده و حضور اصوات دلپذیر همچون صدای پرندگان بوده است. دلپذیری حاصل از حضور طبیعت در محله در ساکنان دل بسته به واسطه حضور ملموس فضاها سبز و پوشش گیاهی، حضور عنصر آب و وجود هوای پاک ادارک شده است:

"یکی از محاسنی که اینجا می‌بینم وجود پرنده‌های زیاد است که مرتب صدایشان را می‌شنویم. این برایم خیلی دلپذیر است [...] کوچه ما و خیابان گرکانی درخت‌های چنار بزرگ و قشنگی دارد که حال و هوای خیابان ولیعصر را به ذهن می‌آورند [...] آب و هوای اختیاریه هم نسبت به نواحی مرکز شهر، سعادت آباد و چند جای دیگر بهتر و خنک‌تر است [...] اینجا در گذشته قناتی عبور می‌کرد [...] خیلی زیبا بود [...] خانه خودمان یک حوض بزرگ دارد که در گذشته آب قنات داخلش می‌آمد. با همین آب قنات، کوچه و حیاط را می‌شستیم [...]".

منزلت مکان به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار بر دل بستگی به اختیاریه در تجربه زیسته افراد حاصل از ادارک «ویژگی‌های محیطی غرور آفرین»، «شان بالای اجتماعی-فرهنگی»، «برخورداری محله از پیشینه تاریخی» و «شان بالای اقتصادی» محله شناسایی گردید. افراد وجود مضامینی چون «اصالت و بومی بودن ساکنان» و «نبود تنش‌های فرهنگی و اجتماعی» و «سکونت مشاهیر و شخصیت‌های سرشناس در محله»، را به مثابه شان بالای اجتماعی-فرهنگی ادارک می‌کنند:

"اینجا یک محله قدیمی و دارای اصالت است؛ مهاجرین زیادی ندارد. [...] ساکنان محله [...] عموماً بومی هستند، یعنی سال‌های سال از پدر تا پدرجدشان در اینجا بوده‌اند. همسایه بالایمان سبیه استاد «مهدی الهی قمشه‌ای» است. بالای سرمان، آقایی هستند که کارخانه سنگبری دارند. بالای سر ایشان، آقایی هستند که استاد دانشگاه خواجه نصیرند."

"[...] شرایط اجتماعی و محیط اجتماعی خوب است. به لحاظ تحصیلات، شکل و قیافه زندگی آدم‌ها خوب است. [...] در بعضی ساختمان‌ها مشروب می‌خورند و از پنجره عربده می‌کشند ولی ما چنین همسایه‌هایی در اختیاریه نداریم. [...] می‌دانید که محله قدیمی آقای ولایتی اینجا بوده [...]".

مکان رویدادهای پیوند دهنده به معنای مکان‌های محله‌ای شکل دهنده به «روتین‌های روزمره^{۲۴}» و «مناسک ارتباطی^{۲۵}»، عاملی مهم در شکل‌گیری دل بستگی به محله اختیاریه شناسایی شدند. مکان‌هایی که شکل‌گیری روتین‌های روزمره را سبب

می‌شوند؛ مانند مسجد، بازارچه، مدرسه، کتابخانه، پارک و زمین بازی و غیره، با ایجاد تعامل اجتماعی غیرفعال (دیدار و مرادوه با دوستان و همسایگان و تعامل‌های روزمره) در وهله نخست حافظه روندی و سپس حافظه رویدادی و معنایی افراد را از محله غنا می‌بخشند. چنین مکان‌هایی از بنیادی‌ترین اجزای سازنده روابط فرد - محله به شمار می‌روند و تهدید و تخریب آن‌ها بر تضعیف دل بستگی به محله تاثیر گذار است. این مکان‌ها پتانسیل‌های بالقوه مکان هستند که آن را وارد روتین‌ها، تجربه و عادات روزمره ساکنان می‌کنند. چنین فرایندی در طول زمان و با استفاده مکرر افراد از این مکان‌ها منجر به شکل‌گیری معانی و باز تولید مکان و معانی ضمنی و همچنین باز تولید احساسات ضمیمه شده به مکان‌ها در فرد می‌شود.

"هنگامی که برای خرید می‌روم، جلوی مغازه ایشان پارک می‌کنم و داخل هم می‌روم و عرض ادبی می‌کنم و نیم ساعتی می‌نشینم."

"گاهی به «تره‌بار» و گاهی هم به «مسجد» می‌روم. بعضی اوقات در محله دوری می‌زنم."

مناسک ارتباطی در اختیاریه حول عنصر مذهب و آیین‌های مذهبی شکل گرفته و منجر به تعامل اجتماعی فعال و صمیمانه ساکنان می‌شود و در نهایت گسترش پیوندهای اجتماعی در سطح محله را به همراه دارد.

بعلاوه مطالعات میدانی نشان داد که گذراندن دوران کودکی و مدت زمان بیشتر سکونت فرد در محله احتمال تعدد چنین مکان-رویدادهایی در ذهن افراد و غنای حافظه روندی، رویدادی و معنایی آن‌ها را از محله بیشتر می‌کند و از این رو شدت پیوند دل بستگی را به محله افزایش می‌دهد:

"کلاً خاطرات زیادی با بچه‌های آن مدرسه داشتیم؛ هنوز هم که هنوز است، چشممان دنبال آن فضا است، و هر وقت که رد می‌شویم، نگاهی می‌اندازیم و یاد خاطرات خودمان می‌افتیم. هر وقت با دوستان دیدار می‌کنیم، اولین خاطراتی که به ذهنشان می‌آید مربوط به آنجاست؛ و نه خاطرات بعدی."

پاسخگویی مناسب محله و جامعه محلی به نیازهای روانی و عملکردی در قالب مقوله «کیفیت پاسخگویی» دربرگیرنده سه مقوله فرعی «خودکارآمدی محله»، «پاسخگویی بی‌درنگ و مستمر» و «فاصله نزدیک تا خدمات محله‌ای» شنایی گردید.

ادارک ساکنان از خودکارآمدی محله، به معنای باور و اطمینان افراد نسبت به برآورد نیازهای روانی و عملکردی اصلی و پایه در محله است. خودکارآمدی محله در پاسخگویی به نیازهای عملکردی حول موضوعات امکانات و خدمات روزمره محلی (خرید، آموزش، اوقات فراغت)، دسترسی به حمل و نقل عمومی و شبکه راه‌های شهری به عنوان سائق‌های نخستین و پاسخگویی محله به نیازهای روانی (سائق‌های ثانویه) حول موضوعات «احساس ایمنی و امنیت»، «خونگرمی، مهربانی، یاری‌بخشی و حمایت‌کننده بودن جامعه محلی (همسایگان)» شکل می‌گیرد.

پاسخگویی بی درنگ و مستمر به معنای احساس اطمینان افراد از دریافت حمایت لازم از شبکه روابط همسایگی است:

"امکاناتی که اینجا دارد جاهای دیگر کمتر پیدا می‌شود. از در که بیرون می‌روید، همه چیز دم دستتان است [...] بارها اتفاق افتاده که مسائلی پیش آمده بلافاصله به ظهر نرسیده، تعمیر کارها خودشان را رسانده و نیاز ما را برطرف کرده‌اند."

"اینجا محله‌ای است که مردمش خیلی دغدغه‌همدیگر را دارند [...] مردم هوای هم را دارند [...] مردم اینجا خیلی با هم متحد هستند. وقتی می‌خواهند کاری برای کسی انجام بدهند همه دست به دست هم می‌دهند و آدم تنها نیست."

ثبات و عدم تغییر در محیط کالبدی-عملکردی، اجتماعی و نظام معانی به نحوی که منجر به حفظ احساس آشنایی (ناشی از خاطره روندی)، خاطرات (ناشی از خاطره رویدادی) و معانی انضمامی (ناشی از خاطره معنایی) شود دل بستگی به محله را تشدید می‌کند:

"هنوز که هنوز است، بعضی جاهایش بکر و دست نخورده مانده؛ مثلاً بازارچه شاهرودی هنوز به شکل قدیم است." "هنوز خانواده‌های اصیل و قدیمی اختیاریه در محله هستند، اما به خاطر تغییراتی که در بافت ایجاد شد و برخی افراد تازه‌ای که آمدند، وضعیت فرهنگی محله تا حدی خراب شد."

پیامدهای دل بستگی به محله اختیاریه

پیامدهای شکل‌گیری دل بستگی به محله اختیاریه در قالب ۳ مقوله اصلی «سکونت پایدار»، «شکل‌گیری عرصه عمومی خرد»، و «سرمایه و انسجام اجتماعی» شناسایی گردید. تجربه انتقال بین نسلی از سکونت پایدار را می‌توان در این نقل قول یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق یافت: "[...] حتی وقتی خواستگار برای دخترم می‌آید می‌گوید: «من از چهارراه دلبخواه، دورتر نمی‌روم. هر کسی من را می‌خواهد باید در همین منطقه سکونت کند.»"

اطمینان و اعتماد از دریافت حمایت اجتماعی به صورت قوی در شبکه تعاملات ساکنان و همسایگان اختیاریه مشاهده می‌شود و اعمال و اقدامات جمعی افراد در اشکال سنتی و مذهبی در طول سالیان توسعه یافته و با خلاقیت‌هایی همراه شده است. سرمایه و انسجام اجتماعی در اختیاریه در قالب مقوله‌هایی فرعی از جمله «تعهد اجتماعی»، «بارگیری» و «تلاش در جهت بهبود (تحقق اهداف جمعی)» بازنمایی شده است. در این زمینه نقل قول‌هایی از ساکنان اختیاریه قابل اشاره است: "[...] اتحادی که بین محله‌های این منطقه هست کم نظیر است. الان نزدیک به ۱۰ یا ۱۲ سال می‌شود که ما داریم در مساجد این اطراف، با بچه‌های محلی، کار می‌کنیم. بچه‌های اینجا خیلی «باهم» هستند، اینطور نیست که پشت هم را خالی کنند [...] در تمام فعالیت‌ها یار همدیگر بوده‌اند [...]".

"[...] اینجا محله‌ای است که مردمش خیلی دغدغه‌همدیگر را دارند [...] و آدم‌هایش با هم ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. این را خیلی می‌پسندم. مردم هوای هم را دارند [...] من در محله‌های دیگر هم بودم مردم وقتی می‌خواهند کاری برای کسی انجام بدهند همه دست به دست هم می‌دهند و آدم تنها نیست."

مسئولیت‌پذیری نسبت به حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی محله و تلاش در جهت بهبود آن در اختیاریه مشهود است. عرصه عمومی خرد در محله اختیاریه حول عامل سنت و مذهب و در قالب مناسک مذهبی و رویدادهای مبتنی بر مذهب شکل می‌گیرد. شایان ذکر است بسترهای لازم برای به رسمیت شناختن استقلال و خودمختاری فردی و جمعی و همچنین توسعه عرصه عمومی خرد در معنای نوین آن در محله اختیاریه مشاهده نشد.

سبک‌ها و الگوهای دل بستگی به محله اختیاریه

مطالعه بازنمایی رفتاری دل بستگی به محله در ساکنان اختیاریه حاکی از وجود دو الگوی کلی از دل بستگی آن‌ها به محله است: دل بستگی فعال و دل بستگی اولیه-پیش دل بستگی.

دل بستگی فعال به معنای تلاش افراد و عمل جمعی ساکنان برای حفظ و تعمیق پیوند عاطفی با محله است. تحقق این الگو تحت تاثیر وجود نهادهای سنتی و یا نوین جلب مشارکت مردم در امور محله‌ای قرار دارد. بررسی تجربه زیسته ساکنان اختیاریه نشان داد که در این محله عمل جمعی ساکنان بیشتر در قالب مشارکت در مناسک و آیین‌های مذهبی، انجام امور داوطلبانه حول کارکردهای مذهبی محله، و تفریح جمعی شکل می‌گیرد و رفتارهای مشارکتی در اداره امور محله‌ای و کنش اعتراضی تحت تاثیر نبود سازوکارهای حکمرانی محله‌محور به صورت بسیار محدود بازنمایی می‌شود.

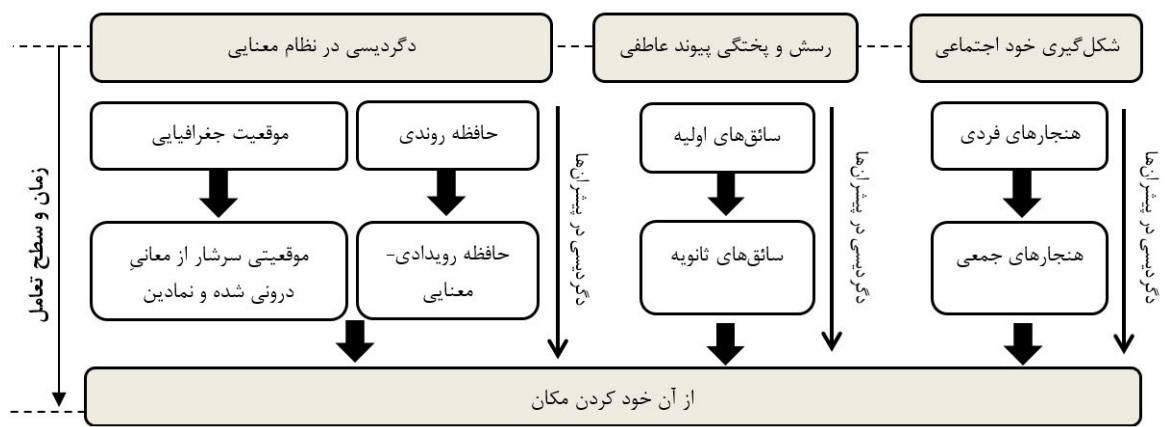
در سبک دل بستگی اولیه-پیش دل بستگی، افراد پیوندهای عاطفی با شدت کمتری با محله برقرار کرده‌اند از این رو الگوهای رفتاری آن‌ها متفاوت از افراد با دل بستگی فعال است. محرک‌های اصلی در برقراری این پیوند سائق‌های اولیه (دل بستگی به خانه، دل‌پذیری بصری-شنیداری و کیفیت پاسخگویی از جمله دسترسی به خدمات پایه محله‌ای و شبکه حمل و نقل شهری)، و حافظه روندی ناشی از رویت‌های روزمره محلی در افراد است.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بازنمایی تجربه زیسته ساکنان محله اختیاریه از دل بستگی به محله و دلایل تقویت این پیوند و شکل‌گیری سکونت پایدار آنان در این محله بود. گردآوری و تحلیل همزمان اطلاعات در قالب مصاحبه، پرسشنامه، نقشه‌شناختی برای بررسی تجربه زیسته افراد از دل بستگی به محله در اختیاریه نشان داد که ادارک و تجربه این پدیده همچون امتداد حس خانه در مقیاس محله است. دل بستگی به محله موقعیتی احساسی-ادارکی از بودن در فرد است که به واسطه برقراری ارتباط و پیوندی عاطفی، هیجانی و مثبت با محله ایجاد می‌شود.

دل بستگی به محله همچون نیازی ذاتی در افراد برای دل بستگی به منبعی مکانی برای کسب آرامش و امنیت است. در این پیوند فرد محله را به مثابه نگاره دل بستگی، کانون امنیت و جود و منبع آسایش و آرامش ملموس درک و تجربه می‌کند.

بعد شناختی دل بستگی به محله فرایند روانشناختی شکل‌گیری



نمودار شماره ۲: مدل مفهومی از فرایند ادارکی-شناختی دل‌بستگی به محله در اختیاریه

انسجام اجتماعی» است که حاکی از نقش آفرینی قدرتمند عامل سنت و مذهب (مساجد و تکیه‌ها) و در قالب مناسک مذهبی و رویدادهای مبتنی بر مذهب است.

در چارچوب این فرایند الگوها و سبک‌های دل‌بستگی نیز در قالب دو گروه عمده شناسایی گردید. افرادی که عمدتاً سابقه سکونت کمتری در محله داشتند سطوح اولیه پیوند دل‌بستگی به محله را متکی بر تداوم هنجارهای فردی، تامین سائق‌های اولیه در محله و تحت تاثیر حافظه روندی تجربه می‌کنند. گروه دوم ساکنانی بودند که با دگردیسی در نظام شناختی ادارکی‌شان دل‌بستگی به محله در آنان مبتنی بر هنجارهای جمعی، پاس‌خگویی محله به سائق‌های ثانویه و تحت تاثیر حافظه رویدادی-معنایی باز تولید می‌شود.

بر این اساس به نظر می‌رسد که طراحان و برنامه‌ریزان شهری برای تقویت دل‌بستگی افراد به محله باید با شناخت کافی از جامعه محلی در راستای حفظ و تداوم ارزش‌های جمعی، توجه همزمان به سائق‌های ثانویه و اولیه با تاکید بر ایجاد و توسعه مکان رویدادهای پیونددهنده در محله بکوشند. بعلاوه طرح‌های توسعه شهری باید به حفظ ثبات محیطی و عملکردی محله برای حراست از دل‌بستگی ساکنان به معانی نمادین و جمعی توجه کنند موضوعی که این پیوند را به شدت تهدید می‌کند. ساکنان اختیاریه با رضایت از ثبات نسبی کالبدی و اجتماع محلی، نفوذ کاربری‌های فرامحله‌ای (ساخت مجتمع‌های اداری و تجاری)، از بین رفتن تدریجی باغات و پوشش گیاهی محله، احداث بزرگراه صدر و نوسازی مسکن بدون توجه به الگوهای هویتی محله را عاملی تهدیدکننده برای ثبات محله‌ای بر شمرده‌اند که در صورت تداوم می‌تواند منجر به گسست در دل‌بستگی ساکنان به اختیاریه شود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دل‌بستگی به محله نتایج و پیامدهای مثبتی را در سطح جامع محلی در قالب تغییر الگوهای رفتاری ساکنان به همراه دارد. «جوارجویی انطباق‌پذیر»، «پیوندجویی»، «مشابهت‌جویی» و «عمل جمعی»، در مقیاس فردی و پایداری سکونت، شکل‌گیری عرصه عمومی خرد و افزایش سرمایه اجتماعی و انسجام محله‌ای در مقیاس جامعه محلی، ظرفیتی ارزشمند برای جلب مشارکت ساکنان در فرایندهای توسعه محله‌ای به شمار می‌رود.

بعلاوه مطالعه تجربه زیسته ساکنان اختیاریه نشان داد که

این پیوند عاطفی را در ساکنان اختیاریه روشن می‌کند. بررسی تجربه زیسته آن‌ها نشان داد دل‌بستگی به محله ماهیتی پویا و در حال تحول دارد و فرایند شکل‌گیری و استحکام این پیوند عاطفی، از الگویی مرحله‌ای و زمان‌مند (نمودار ۲) تبعیت می‌کند. به این معنا که دل‌بستگی به محله در طول زمان، با افزایش سطح تعامل و تحت تاثیر گذاری مولفه‌های علی تقویت می‌شود. تعمیق این پیوند در طول زمان با «ریش و پختگی پیوند عاطفی»، «شکل‌گیری خود اجتماعی»، «دگردیسی در نظام معنایی مکان» همراه است. تحت تاثیر این سه تحول پشوران‌های دل‌بستگی به محله دچار دگردیسی و تکامل می‌شود به این معنا که با شکل‌گیری و اولویت یافتن هنجارهای جمعی، پیوند مردم-محله در اختیاریه بیشتر مبتنی بر تداوم ارزش‌های جمعی محله تقویت و باز تولید می‌شود. در این فرایند نقش آفرینی سائق‌های ثانویه شامل تداوم خود، منزلت مکان، مناسک ارتباطی و روتین‌های روزمره در شکل‌گیری دل‌بستگی به محله بر سائق‌های نخستین شامل دل‌بستگی به خانه، دل‌پذیری بصری-شنیداری و کیفیت پاس‌خگویی رجحان می‌یابد. بعلاوه مطالعه تجربه زیسته ساکنان اختیاریه نشان داد که پیوند مردم-محله در سال‌های نخستین سکونت افراد در این محله بیشتر تحت تاثیر حافظه روندی قرار دارد و با افزایش مدت زمان سکونت و سطح تعامل افراد در محله نقش حافظه رویدادی-معنایی در شکل‌گیری دل‌بستگی به محله بیشتر می‌شود.

در این دگردیسی که در نظام معنایی مکان رخ می‌دهد محله از موقعیت جغرافیایی به موقعیتی سرشار از معانی درونی شده و نمادین تبدیل می‌شود.

این سه تحول در نظام ادارکی افراد در نهایت با از آن خود کردن مکان و هویت‌یابی محله‌ای در ساکنان همراه می‌شود.

مکان-رویدادهای پیونددهنده در محله اختیاریه و با توجه به بافت اجتماعی‌اش مبتنی بر عنصر مذهب و سنت شکل می‌گیرد و عوامل اجتماعی و مدنی نقشی در این مکان-رویدادها ایفا نمی‌کنند. بعلاوه روابط اجتماعی در اختیاریه برآمده از تشابه جویی متکی بر بافت سنتی و مذهبی محله است که منجر به شکل‌گیری اجتماع محلی نسبتاً در خود و بسته شده است.

پیامدهای شکل‌گیری دل‌بستگی به محله اختیاریه شامل «سکونت پایدار»، «شکل‌گیری عرصه عمومی خرد»، و «سرمایه و

۵. بهشتی، سیدحامد (۱۳۹۰)، «محله؛ نهادی سنتی برای تقویت جامعه مدنی»، فصلنامه اندیشه ایرانی شهر، ۵ (۱۴-۱۵)، ۲۰-۲۵.
۶. پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۰، ۱۵-۲۴.
۷. پیربابایی، محمدتقی و حسن سجاذزاده (۱۳۹۰)، «تعلق جمعی به مکان؛ تحقق سکونت اجتماعی محله سنتی»، باغ نظر، ۱۶، ۱۷-۲۸.
۸. رحیمی، لیلا؛ مجتبی رفیعیان و محمد باقری (۱۳۹۶)، «ارزیابی تاثیر مقیاس مکانی بر دل‌بستگی ساکنین به مکان در محلات مرکزی (شهر تبریز)»، نامه معماری و شهرسازی، ۱۸(۱)، ۴۳-۵۸.
۹. رصدخانه شهری تهران (۱۳۹۶)، اطلس کیفیت زندگی شهر تهران؛ ارزیابی کیفیت زندگی در کلانشهر تهران، (چاپ اول)، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهران.
۱۰. رصدخانه شهری تهران (۱۳۹۵)، اطلس پایداری شهر تهران؛ ارزیابی پایداری شهری در کلانشهر تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهران.
۱۱. زمانی، بهادر و محسن هنرور (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی در محله‌های شهری، نمونه موردی: محله‌های دردشت، چهارسوقی‌ها، ملاصدرا و دوپفلان شهر اصفهان»، معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲۱، ۱۶۱-۱۷۲.
۱۲. سالاری‌پور، علی‌اکبر؛ حمید رضایی؛ نادر زالی و مریم صفای کارپور (۱۳۹۷)، «بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان، مطالعه موردی: محله ساغریسازان شهر رشت»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۹ (۳۴)، ۳۵-۸۸.
۱۳. ستاد هماهنگی شورایاری‌های شورای اسلامی شهر تهران. (۱۳۹۵). «آنچه باید درباره محله اختیاریه بدانید»، برگرفته از لینک: <http://www.shorayaran.com/fa/doc/news/367>.
۱۴. سجاذزاده، حسن؛ عادل شریفی؛ محمدعلی اسدی و ندا شریفی (۱۳۹۴)، «دل‌بستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی (نمونه موردی: محله حاجی همدان)»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶ (۲۲)، ۱۵۲-۱۳۹.
۱۵. عربی، زهرا؛ سمیرا طاوسی و سمیه سادات موسوی (۱۳۹۵)، «حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: تهران، محله ارامنه الف)»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۹ (۱)، ۲۱-۳۳.
۱۶. لک، آزاده (۱۳۹۴)، «زلزله بم و درک معنایی ساکنان محلات مسکونی از اختلال در دل‌بستگی به مکان»، مسکن و محیط روستا، ۱۵، ۱۷-۳۰.

نقش آفرینی قدرتمند نهادهای سنتی و مذهبی اختیاریه عاملی کلیدی در شکل‌گیری عمل جمعی و انجام امور داوطلبانه ساکنان حول مناسک و آیین‌های مذهبی شده است. این در حالی است که سرای محله نتوانسته از ظرفیت مذکور برای مشارکت‌جویی ساکنان در امور محله‌ای به خوبی بهره بگیرد. به نظر می‌رسد ایجاد و بازآفرینی سازوکارهای حکمرانی محله محور با استفاده از ظرفیت نهادهای سنتی فعال در اختیاریه می‌تواند توسعه اجتماع محلی را در ابعاد گسترده‌تری برای این محله به همراه بیاورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Extreme Case Sampling
2. Rich-information
3. John Bowlby
4. Attachment Theory
5. Community Attachment
6. Place Identity
7. Place Dependency
8. Sense of Place
9. Sense of Community
10. Belonging to Place
11. Residential Satisfaction
12. Neighborhood Attachment
13. Attitudinal Attachment
14. Behavioral Attachment
15. Theoretical Sampling
16. Theoretical Saturation
17. Teoretical lenz
18. Maturity
19. Procedural Memory
20. Epidodic Memory
21. Semantic Memory
22. Defense Mechanism
23. Mental schema
24. Daily Routines
25. Ritual Communication

فهرست منابع و مراجع

۱. امیرکافی، مهدی و شکوفه فتحی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به منطقه مسکونی: مطالعه موردی شهر کرمان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵ (۱)، ۵-۴۱.
۲. ایازی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۲)، طرح ساختارشناسی هویت محله‌ای شهر تهران، گزارش تحلیل و تلفیق مطالعات، انتشارات امیدان، تهران.
۳. باستانی، سوسن و سلمه نیکزاد (۱۳۹۳)، «شبکه‌های اجتماعی فردی و دل‌بستگی به محله در شهر تهران: با تأکید بر وسایل ارتباطی نوین»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۳ (۲)، ۱۹۳-۲۲۰.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری (کتاب دوم). چاپ اول، انتشارات شهیدی، تهران.

30. Lewicka, M. (2005). "Ways to make people active: Role of place attachment, cultural capital and neighborhood ties", *Journal of Environmental Psychology*, 4, 381-395.
31. Lewicka, M. (2011). "Place attachment: How far have we come in the last 40 years?" *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207-230.
32. Mihaylov, N., & Perkins, D. (2014). "Community Place Attachment and its Role in Social Capital Development." In L. C. Manzo & P. Devine-Wright (Eds.), *Place Attachment: Advances in Theory, Methods and Applications* (PP 61-74). Routledge.
33. Pretty, G. H., Chipuer, H. M., & Bramston, P. (2003). "Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity", *Journal of Environmental Psychology*, 23, 273-287.
34. Ramkissoon, H., Smith, L., & Weiler, B. (2013). "Testing the dimensionality of place attachment and its relationships with place satisfaction and pro-environmental behaviours: A structural equation modelling approach", *Journal of Sustainable Tourism*, 36, 522-566.
37. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
38. Scannell, L., & Gifford, R. (2013). "The Psychology of Place Attachment", In R. Gifford, *Environmental Psychology: Principles and Practice*. Fifth Edition, (272-300). Optimal Books; 5th edition.
39. Tuan, Y.F. (1974). "Space and place: Humanistic perspective. *Progress in Geography*", 6, 233-246.
40. Weil, S. (1952). *The Need for Roots: prelude towards a declaration of duties towards mankind*, Routledge & Kegan Paul, Newyork.
41. Wu, R., Li, Z., Liu, Y., Huang, X., & Liu, Y. (2019). "Neighborhood governance in post-reform Urban China: Place attachment impact on civic engagement in Guangzhou", *Land Use Policy*, 81, 472-482.
42. Song, Z., Daryanti, A., & Soopramanien, D. (2019). "Place attachment, trust and mobility: Three-way interaction effect on urban residents' environmental citizenship behavior", *Journal of Business Research*, 105(3), 168-177..
۱۷. منتظرالحجه، مهدی؛ مجتبی شریف نژاد و سهیلا دهقان (۱۳۹۵)، «ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله‌های شهری مطالعه موردی: مراکز محله‌های شیخداد و شهرک دانشگاه در شهر یزد»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۷(۲۶)، ۴۳-۵۴.
۱۸. محمدپور، احمد (۱۳۹۲ الف)، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲: مراحل و رویه‌های علمی در روش شناسی کیفی (چاپ دوم)*، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
۱۹. محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ب)، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱: منطق و طرح در روش شناسی کیفی (چاپ دوم)*، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
۲۰. نقدی، اسدالله؛ سلمان وحدت و حسن سجاذزاده (۱۳۹۵)، «نقش سرمایه‌های اجتماعی در دل‌بستگی به مکان در محالت سنتی (نمونه موردی: محالت شهر همدان)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۶(۱۸)، ۵۲-۲۳.
21. Anton, C.E., & Lawrence, C. (2016). "The relationship between place attachment, the theory of aspiration behaviour and residents' response to place change", *J. Environ. Psychol.* 47, 145-154.
22. Bonaiuto M., Fornara F., Ariccio S., Ganucci Cancellieri U., & Rahimi L. (2015). "Perceived residential environment quality indicators (PREQIs) relevance for UN-HABITAT city prosperity index (CPI)". *Habitat Int.* 45 53-63.
23. Comstock, N., Dickinson, M, L., Marshall, J, A., Soobader, M, J., Turbin, M, S., Buchenau, M., & Litt, J. (2010). "Neighborhood Attachment and Its Correlates: Exploring Neighborhood Conditions, Collective Efficacy, and Gardening", *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 435-442.
24. Fornara, F., Lai, A., Bonaiuto, M., & Pazzaglia, F. (2019). "Residential Place Attachment as an Adaptive Strategy for Coping With the Reduction of Spatial Abilities in Old Age", *Frontiers in Psychology*, Doi: 10.3389/fpsyg.2019.00856.
25. Javan Forouzande, A., Motallebi, GH. (2012). "The Role of Open Spaces in Neighborhood Attachment Case Study: Ekbatan Town in Tehran Metropolis". *International Journal of Architecture and Urban Development*, 1(3), 11-20.
26. Greif, M. J. (2009). "Neighborhood Attachment in the Multiethnic Metropolis", *City & Community*, 8, 27-45.
27. Hidalgo, M. C., & Hernández, B. (2001). "Place attachment: Conceptual and empirical questions", *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273-281.
28. Karami, S., Ghafary, M., Fakhrayee, A. (2014). "Analyzing the correlation between urban spaces and place attachment Evidence from: Narmak neighborhood in Tehran", *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 3(4), 129-139.
29. Kamalipour, H., Yeganeh, A., & Alalhesabi, M. (2012). "Predictors of Place Attachment in Urban Residential", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 35, 459-467.

Attachment to Iranian -Islamic neighborhood: a qualitative Study (Ekhtiarieh, Tehran)

Samaneh Khabiri

PhD. Urban Planning, Faculty of art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mohammadreza Pourjafar *(Corresponding Author)

Full professor, Department of urban planning, Faculty of art and Architecture.

* E-Mail: pourja_m@modares.ac.ir

Mohammadsaeid Izadi

Assistant Professor, Department of Urban Planning and design, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran .

Abstract:

In the Iranian-Islamic city, the neighborhood is the creator of the individuals' identity and the sense of attachment and belonging in the residents. These neighborhoods, during the rapid expansion of urbanization and the dominance of engineering discourse in urban development, have changed the spatial structure and social organization and the weakening of psychological ties between people and neighborhoods, which has led to decline in social participation, social capital and weakening of neighborhood identity. Based on the survey of Tehran Municipality (2017), Ekhtiarieh neighborhood is one of the top 10 neighborhoods in Tehran, where a high level of attachment and belonging of residents to the neighborhood and the relative stability of living has been documented. The current article aims to distinguish the psychological nature of this bond by studying the lived experience of the residents of Ekhtiarieh and also to identify the effective components on the formation and reproduction of attachment to the neighborhood. Accordingly, via adopting a qualitative strategy and grounded theory as the research method and using purposeful and theoretical sampling technique, 24 residents of Ekhtiarieh were selected as research participants in the data collection process through a combination of in-depth interview tools, questionnaires, cognitive map, and documentary studies. Data analysis was performed simultaneously, nonlinearly, and with open, axial, and selective coding techniques. The research results revealed that attachment to the neighborhood is experienced as an extension of the sense of home on a neighborhood scale in emotional, cognitive-perceptual, and behavioral dimensions. The emotional dimension of attachment to the neighborhood is perceived with pride, the grief caused by leaving the neighborhood, psychological well-being, and sense of belonging and membership, and the cognitive-perceptual dimension of attachment are understood by the maturity of emotional bond, social self-formation, transformation in the semantic system of place, and sense of ownership in the neighborhood and the local community. Attachment is represented by the behavioral patterns of, adaptive proximity seeking, sociability, collective action, and seeking similarity. Also, attachment to the home, self-determination, place identity, visual-auditory pleasurableness, place value, connecting places and events, place responsiveness, and unchanging places are reinforcing factors of attachment to Ekhtiarieh.

Keywords: Place Attachment, Neighborhood Attachment, Iranian-Islamic Mahalle, Ekhtiarieh.